

حقیقت آن گونه که هست

استاد جعفر الهادی

ترجمه: محمدمهدی رضایی

بسم الله الرحمن الرحيم

هم شناسی يك نیاز است

مقدمه

(وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا)^۱ «و شما را جماعت ها و طایفه ها قرار دادیم تا یکدیگر را

بشناسید.»

دین اسلام در حالی روی کار آمد که توده های مردم پراکنده و از یکدیگر بی خبر بوده اند، بالاتر اینکه پیوسته در جنگ و کشمکش و جدال به سر می بردند. اماچه زود به برکت وجود تعالیم توحیدی اسلام پدیده همشناسی جای بی خبری و همیاری جای جنگ و درگیری و همبستگی جای اختلاف و تفرقه را گرفت. در نتیجه آن امت بزرگ و یکپارچه که آن همه خدمات عظیم فرهنگی را به ارمغان آورد - تمدنی را به جامعه بشری تقدیم نمود پای به عرصه هستی نهاد؛ هم چنان که توده های وابسته به خویش را در برابر آسیب و گزند ظالمان و ستم پیشگان مورد حمایت قرار داد.

امت اسلامی در چشم مردمان جهان جایگاهی بلند یافت و گرمی و آبرومند گردید و در دیده گردنکشان و زورگویان، تشکل و انتلافی هراس انگیز و وحشت آور به دست آورد. و این همه جز در پرتو وحدت امت مسلمان و ارتباط و همبستگی آحاد آن - که خود در سایه هدایت های دین اسلام به دست آمده بود - نمی توانست تحقق یابد؛ وحدتی متقابل که با وجود گوناگونی ملیت ها و اختلاف برداشت ها و تعدد فرهنگ ها و ناسازگاری عرف ها و عادت ها و تنها با راهنمایی های اسلام و اتفاق بر سر اصول و بن مایه های اعتقادی و انجام اعمال عبادی و واجبات به وجود آمد. آری وحدت مایه نیرومندی، و تفرقه اسباب ناتوانی است.

این جریان مبارك ادامه داشت تا اینکه همشناسی مسلمین به بی توجهی و اهمال دگرگون گردید و سازگاری جای خود را به ناسازگاری سپرد و توده های مسلمان یکدیگر را به کفر و الحاد متهم ساختند و دسته ها و جناح ها از هم بریدند و میان خویش را به هم زدند، و در نتیجه آن همه عزت و عظمت نابود گردید و آن شکوه خیره کننده فرو ریخت و طغیان گران، امت پیشرو و هدایتگر اسلامی را به تمسخر گرفتند و تحقیر نمودند. پس روبهان و گرگان در سرزمین های اسلامی در هر کوی و برزن، به گردش در آمدند و بیگانگان و نفرین شدگان خدا و انسان های مورد خشم بشریت در شهرها و آبادی های آن امت، به جست و جو و جاسوسی پرداختند.

۱. حجرات (۴۹): آیه ۱۳.

ثروت های مسلمانان به تاراج رفت، و مقدّساتشان مورد اهانت واقع شد و ناموس هایشان دستخوش تبهکاران قرار گرفت. سقوط پشت سقوط، شکست در پی شکست، و انحطاط و عقب گرد مسلمانان در اندلس و بخارا و سمرقند و تاشکند و بغداد، دیروز، و در فلسطین و افغانستان، امروز. اینک این امت مسلمان هر چه فریاد بر می آورد جوابی نمی شنود و هر چه دیگران را به یاری می طلبد، یاری اش نمی کنند و چگونه چنین شود که درد چیز دیگری است، چنان که درمان نیز از گونه دیگر است! بی شك خداوند ابا دارد که کارها را جز از طریق اسباب و علل آن ها به جریان اندازد، و پایان کار این امت به سامان نخواهد رسید مگر به همان چیز که آغاز کار او را سامان بخشید.

امروز که موجودیت و عقیده امت اسلامی به وحشیانه ترین تجاوزها دچار گردیده و ویرانگرترین هجوم ها، با ایجاد شکاف در همزیستی مسالمت آمیز مذهبی و اجتهادی آن، وحدتش را به خطر افکنده اند، و دور نیست که این هجمه ها آثار و نتایج نا مطلوب خویش را نیز در پی داشته باشند، آیا سزاوار نیست که این امت بیش از پیش، صفوف خود را منسجم تر و در هم فشرده تر سازد و پیوندهایش رامستحکم تر نماید؟ چرا که مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب، در قرآن و سنت به عنوان دو منبع اصلی، و نیز در توحید و نبوت و باور به آخرت به عنوان عقیده، و در نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و حلال و حرام به عنوان آیین، و در محبت نسبت به پیامبر اطهر و خاندانش - که دروهای خدا بر آنان باد - به عنوان دوستی کردن با ایشان و دشمنی ورزیدن با دشمنانشان، با یکدیگر شریک اند؛ با اینکه مورد اخیر، در میان ایشان شدت و ضعف دارد.

مثل امت مسلمان همچون انگشتان يك دست است که هرچند گوناگون و کوتاه و بلندند، اما همگی در قسمت مفاصل، به يك دست متصل می گردند؛ و نیز همچون پیکری واحد هستند که از يك جهت اعضای متعدد دارد و از جهتی همه آن اعضا نقش اندامی خود را در حیات بشری - آن هم با وجود اختلاف در شکل (و نقش اندامی) - به انجام می رسانند.

بعید نیست که حکمت تشبیه امت اسلامی به يك دست، و نیز به يك پیکر، اشاره به همین حقیقت باشد.

بی شك، در روزگاری پیش از این، علمای مذاهب و فرقه های گوناگون اسلامی، درکنار هم و بدون درگیری و کشمکش زندگی می کرده اند، بلکه پیوسته میان ایشان همیاری و همکاری برقرار بوده است؛ کتاب های کلامی یا فقهی یکدیگر را شرح می کرده اند، در محضر یکدیگر دانش می آموخته اند، رأی یکدیگر را تأیید می نموده اند، به یکدیگر اجازه روایت می داده اند و از یکدیگر اجازه نقل روایت از کتاب های مذهب و طایفه مقابل را

می گرفته اند، و در نماز به یکدیگر اقتدا می کرده اند، به ستایش یکدیگر می پرداخته اند و به درستی مذهب مخالف خود اعتراف می‌ورزیده اند.

این گروه ها و طایفه ها، در سطح مردمی نیز در کنار هم و با مهربانی و سازگاری می زیسته اند، آن چنان که گویی هیچ اختلاف و جدایی میان ایشان نبوده است. اگر چه در این میان، نقد و انکارهایی هم وجود داشته، اما بیشتر آن ها مؤدبانه، پاکیزه، و ردهایی علمی و منطقی بوده است .

اینجا ادله زنده و تاریخی پرشماری بر این همکاری ژرف و پردامنه وجود دارد، و علمای اسلام این پدیده فرهنگی و برجای مانده اسلامی را نقل و روایت کرده اند و آن را ضرب المثل آزادی در مذهب و عقیده قرار داده اند. علاوه بر اینکه ایشان در جریان این تعاون مثال زدنی توانسته اند توجه دنیا را به خود جلب نمایند. و احترام جهانیان را نسبت به خود برانگیزند.

بی تردید دشوار نخواهد بود که علمای مسلمان گرد آیند و با آرامش و زبان منطقی و با اخلاص و نیت راست، موارد اختلافی را به بحث و مناقشه بگذارند، تا هر کدام دلیل های طرف مقابل و برهان هایی را که اقامه می کند، بشناسد و به آن ها آگاهی یابد. نیز کار خوب و پذیرفته ای است که هر گروه و طایفه ای، در فضایی آزاد و صریح، عقاید و مواضع فکری و فقهی خود را طرح نماید، تا اتهامات و شبهه های ساخته شده بر ضد او آشکار شوند و همگان موارد اتفاق و اختلاف را بشناسند و بدانند که آنچه مسلمانان را به یکدیگر پیوند می دهد بیش از آن چیزی است که باعث جدایی آنان از یکدیگر می شود و این گونه است که یخ رابطه میان مسلمانان ذوب می گردد.

این نوشته گامی است در این راه، تا حقیقت آشکار شود و همگان آن را همان گونه که هست بشناسند، و خدا، خود توفیق دهنده است .

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش برای خدا، پروردگار هستی هاست، و درود و سلام بر خاتم پیامبران و اشرف رسولان، محمد، و بر خاندان پاک و پاکیزه اش، و صحابه برگزیده اش .

شیعیان امروزه گروهی بزرگ از مسلمانان هستند که نزدیک به يك چهارم كل مسلمين دنيا را تشكيل می دهند و ریشه های تاریخی شان به آغاز اسلام و روز نزول این سخن خدای تعالی در سوره بینه بر می گردد که فرمود:

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)^۲; «بی شك کسانی که ایمان آوردند و نیکی ها کردند، آنان بهترین آفریدگاند».

آن جا بود که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دست مبارکش را بر شانه علی بن ابی طالب(علیه السلام) نهاد و گفت:

«يا علي أنت وشيعتك هم خير البرية»؛ «یا علی، تو و شیعیانت بهترین آفریدگانیید...»^۳

و بدین ترتیب این گروه که به خاطر تبعیت از فقه امام جعفر صادق(علیه السلام)، به او منتسب گردیده اند، شیعه (شیعه جعفری) نامیده شدند.

(۲)

تعداد بسیاری از شیعیان در ایران و عراق و پاکستان و افغانستان و هند ساکن اند و تعداد پر شماری از آن ها در کشورهای حاشیه ی خلیج فارس، ترکیه، سوریه، لبنان، روسیه، جمهوری های خود مختار، و نیز به طور پراکنده در کشورهای اروپایی چون انگلستان، آلمان، فرانسه، آمریکا، قاره آفریقا و کشورهای جنوب شرق آسیا زندگی می کنند و در این مناطق برای خود مساجد و مراکز علمی و فرهنگی و اجتماعی دارند.

(۳)

این طایفه دارای طبایع و اصالت ها و زبان ها و رنگ های مختلفی است و در کنار برادران مسلمان خود از دیگر طوایف و مذاهب با صلح و آرامش و دوستی زندگی می کند و در همه صحنه ها، از سر صدق و اخلاص، با آنان همکاری می کند. و این بر اساس سخن خدای تعالی است که فرمود:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ)^۴; «مومنان با هم برادرند.»

و فرمود: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) ° «در نیکی کردن و پرهیزگاری، هم یاری کنید.»

و نیز برای تمسك جستن به سخن پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) که فرمود:

«المسلمون يدُّ واحدَة علی من سواهم»^۶ «مسلمانان در برابر بیگانگان يك دست اند.»

۲. بینه(۹۸) آیه ۷.

۳. تفسیر طبری (جامع البیان)، در المنثور، علامه سیوطی.

۴. حجرات (۴۹): آیه ۱۰.

۵. مائده(۵)، آیه ۲.

و فرمود: «المؤمنون كالجسد الواحد»^۶ «مؤمنان مثل يك پيكرند.»

(٤)

شیعیان در طول تاریخ اسلامی، در دفاع از اسلام و امت والامر تبه اسلامی، موضع گیری های عظمت آفرین و نورانی داشته اند، همچنان که صاحب حکومت ها و دولت هایی خدمت گزار به تمدن اسلامی بوده اند و عالمان و دانشمندانی را به خود دیده اند که با تألیف صدها هزار کتاب كوچك و بزرگ، در عرصه های تفسیر قرآن، حدیث، اعتقادات، فقه، اصول، اخلاق، درایه، رجال، فلسفه، مواظ، حکومت، اجتماع، لغت، ادب، بلکه در پزشکی، فیزیك، شیمی، ریاضیات، نجوم و دیگر علوم طبیعی، در غنا بخشیدن به میراث گرانبهای اسلامی سهم به سزا داشته اند و در بسیاری از علوم اسلامی پایه گذار و مؤسس بوده اند.^۸

(٥)

ایشان به خداوند یکتا و بی همتا و یگانه و بی نیازی که نمی زاید و زاده نشده است و هیچ کس چون او نیست باور دارند و جسم بودن، جهت داشتن، مکان، زمان، دگرگونی، حرکت داشتن، فرود آمدن، فراز شدن و این دست امور را که سزاوار بزرگی، جمال، پاکی و جلال خداوندی نیست، از او دور می دارند. و نیز معتقدند که جز او هیچ موجودی لایق پرستش نیست و فرمانروایی و قانونگذاری، تنها در حیطة اختیار اوست و شرك ورزیدن به خدا - پنهان و آشکار - به هر شکل و رنگی که باشد، ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی به شمار می آید.

شیعه تمام این باورها را از منبع عقل استوار اندیش خود که دو پشتوانه محکم چون قرآن عزیز و سنت پر ارج و صحیح دارد، اخذ می کند، و البته در بحث های عقیدتی، برای روایات اسرائیلی (توراتی و انجیلی) و مجوسی جایی نمی شناسد؛ روایاتی که خدای تعالی را به صورت انسان تصویر می کند و آن ذات پاك را به آفریدگانش مانند می سازد و یا اموری چون ظلم، تعدی، بیهوده کاری و بازی را که بسیار دور از شأن اوست، به او نسبت می دهد، و یا بر جان های پاك و مطلقاً بی گناه پیامبران، داغ گنهکاری و بدعملی می نهد.

۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۱۵.

۷. بخاری، کتاب الادب، ص ۲۷.

۸. رك: تأسيس الشیعه لعلوم الاسلام/ صدر؛ و الذریعه الی تصانیف الشیعه/ آغا بزرگ تهرانی، در ۲۹ جلد؛ و كشف الظنون/ افندی؛ و معجم المؤلفین/ كحاله؛ و اعیان الشیعه/ سید محسن امین عاملی؛ و دیگران.

(٦)

شیعه باور دارد که خدای تعالی عادل و حکیم است و همه هستی را بر اساس عدل و حکمت آفریده و هیچ موجودی را بیهوده خلق نکرده است؛ آن موجود بی جان باشد، یا گیاه، حیوان باشد یا انسان، یا آسمان باشد یا زمین؛ زیرا بیهوده کاری با عدل و حکمت نمی سازد، و این با الوهیتی که هر کمالی را برای خداوند اثبات، و هر کمبود و کاستی را از او نفی می کند منافات دارد.

(٧)

همچنین معتقد است که خدای تعالی از همان روز که بشر زندگی خویش را بر روی زمین آغاز نمود بر پایه عدل و حکمت خویش، پیامبران و رسولانی به سوی او گسیل داشت که بی گناه و معصوم بودند و دانش عظیم و گسترده داشتند که از طریق وحی الهی، از سوی خداوند به ایشان عطا شده بود تا بشریت را با علم گسترده خود هدایت کنند و او را در رسیدن به کمال مطلوب یاری نمایند و به سوی طاعت خدا که اسباب راهیابی او به بهشت بود و او را شایستگی رحمت و خشنودی خداوند می بخشید، راه بنمایند. بارزترین این پیامبران و رسولان عبارت بودند از: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (علیهم السلام) و دیگر پیامبرانی که قرآن از آنها نام برده، یا اسم و مشخصاتشان در روایات شریف آمده است.

(٨)

شیعیان بر این باورند که هرکس خدا را اطاعت کند و فرمانهایش را ببرد و قوانین فرود آمده از سوی او را در تمام عرصه های زندگی خود جامه عمل بپوشاند، بی شك نجات می یابد و کامروا می گردد و لایق ستایش و ثواب الهی می شود، هرچند برده ای حبشی باشد؛ اما هرکس از فرمان خداوند سرپیچی کند و در برابر او امرش خود را به نادانی بزند و احکامی جز احکام الهی را عمل نماید، زیانکار و هلاک می گردد و بجاست که او را سرزنش و عذاب کنند، هرچند از بزرگان قریش باشد، همچنان که در حدیث شریف نبوی آمده است. شیعه معتقد است که هنگامه پاداش و عذاب، روز قیامت است، یعنی روز حسابرسی و سنجش اعمال و بهشت و دوزخ، که پس از گذشتن از عالم قبر و برزخ، بدان خواهیم رسید. اما ایشان مسئله تناسخ را که سخن منکران معاد است نمی پذیرند، چون تکذیب قرآن کریم و سنت پاک پیامبر (صلی الله علیه وآله) را در پی خواهد داشت.

(٩)

آنان معتقدند که خاتم پیامبران و رسولان و با فضیلت‌ترین ایشان، رسول خدا، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب (صلی الله علیه وآله)^۹ است که خداوند او را پیش و پس از نبوت و در کارهای تبلیغی و سایر امور، از اشتباه و لغزش نگاه داشت و از گناهان کوچک و بزرگ عصمت بخشید و قرآن کریم را بر او فرو فرستاد که تا ابد قانون زندگی انسان‌ها باشد. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رسالت الهی خویش را به مردم رسانید و آن امانت را با صداقت و خلوص در اختیارشان گذاشت و در این باره از هر چیز گران قدر و بی مقدار خود چشم پوشی کرد.

شیعه در عرصه تاریخ زندگی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و شخصیت، حالات، ویژگی‌ها و معجزات ایشان، ده‌ها تألیف و پژوهش از خود بر جای نهاده است.^{۱۰}

(۱۰)

شیعیان بر این باورند که قرآن کریم که به واسطه جبرئیل امین بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل گردید و گروهی از صحابه ارجمند و پیشاپیش آنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)، در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و زیر نظر و مراقبت وی و به فرمان و راهنمایی او آن را تدوین کردند و به حافظه خود سپردند و تمام حروف، کلمات، سوره‌ها و آیاتش را به شماره درآوردند و آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال دادند، همان قرآنی است که اکنون، روزها و شبها بر زبان مسلمانان جاری می‌شود و هیچ کم و زیاد و تحریف و دگرگونی در آن راه نیافته است. شیعه در این باره نیز، کتاب‌های مختصر و مطول بسیاری نگاشته است.^{۱۱}

(۱۱)

شیعیان معتقدند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چون هنگام رحلتش فرارسید، برای پس از خود علی بن ابی طالب (علیه السلام) را خلیفه خویش و پیشوای امت مسلمان قرار داد تا او امور اجتماعی آنان را سرپرستی کند و از جهت فکری راهنمایشان باشد، مشکلاتشان را حل کند و به تربیت و تزکیه‌شان بپردازد و این امر به فرمان خدای تعالی، در جایی به نام «غدیر خم» و در واپسین سال زندگانی پیامبر (صلی الله علیه وآله) در آخرین حج او، و در میان جمعیتی انبوه از

۹. شیعه امامیه مقید است که هنگام درود و سلام فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه وآله)، خاندان آن حضرت را نیز یاد کند و این به خاطر دستوری است که از خود ایشان در این باره رسیده است و در صحاح سته و غیر آن مذکور است.

۱۰. ر.ک: ارشاد شیخ مفید، اعلام الوری باعلام الهدی، طبرسی؛ دایرة المعارف بحار الانوار، مجلسی؛ موسوعة الرسول المصطفی سیدمحسن خاتمی.

۱۱. ر.ک: تاریخ القرآن، زنجانی؛ التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت.

مسلمانان که حج آن سال خود را با آن حضرت به جای می آوردند انجام گرفت. براساس بعضی از روایات، شمار حاضران به بیش از صد هزار نفر می رسید و به مناسبت همین واقعه، آیاتی چند نیز نازل گردید.^{۱۲}

این گونه بود که پیامبر(صلی الله علیه وآله) از مردم خواست با زدن دست خود بر دست علی(علیه السلام) با او بیعت کنند. مردم و پیش از همه بزرگان مهاجر و انصار و صحابه معروف چنین بیعت نمودند.

(۱۲)

شیعیان معتقدند که شخص امام پس از رسول خدا، محمد(صلی الله علیه وآله) باید همان کاری را بکند که او در زمان حیاتش انجام می داده است؛ یعنی رهبری، هدایت، تعلیم و تربیت مردم، بیان احکام، حل مشکلات پیچیده و دشوار فکری و همت گماشتن به امور مهم اجتماعی. و همچنین باید آن گونه باشد که اعتماد مردم را به خود جلب نماید و بتواند از این رهگذر، آنان را به ساحل نجات برساند.

بنابراین امام باید در ویژگی ها و صفاتی چون عصمت و دانش فراگیر با پیامبر شریک باشد؛ زیرا به جز دریافت وحی و مقام نبوت، دیگر شایستگی ها و مسئولیت های پیامبر، لازمه وجود اوست. بی شك، نبوت با محمد بن عبدالله که خاتم پیامبران و رسولان است به پایان رسید. دین محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) پایان بخش ادیان و آیینش خاتم آیین ها و کتابش آخرین کتاب ها بود و پس از او پیامبری و پس از دین او دینی و پس از آیین او آیینی ظهور نخواهد کرد.

(۱۳)

شیعه باور دارد که نیاز امت مسلمان به رهبر آگاه و سرپرست معصوم، اقتضا می کند که تنها به علی(علیه السلام) به عنوان خلیفه و امام پس از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بسنده نشود و حلقه های این امامت و رهبری تا مدت زمان طولانی ادامه یابند، تا این که ریشه های دین

۱۲. «ای پیامبر! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل گردیده [به مردم] برسان که اگر چنین نکنی، رسالت او را به انجام نرسانده ای و خداوند تو را از مردم نگاه می دارد. بی شك خدا کافران را هدایت نخواهد کرد.» (مائده(۵) آیه ۶۷) و سخن خدای تعالی در آیه اکمال که می فرماید: «امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام گردانیدم و پسندیدم که اسلام دینتان باشد» (مائده(۵) آیه ۳) و فرموده خدای تعالی: «امروز کافران از دین شما مأیوس شدند؛ پس از آنان نترسید و از من بیم نمایید» (مائده(۵) آیه ۳) و سخن خدای تعالی: «پرسش گری از عذابی شدنی پرسید که کافران را از آن مانعی نیست» (معارج(۷۰) آیه ۲).

اسلام تقویت و محکم گردد و اصول شریعت، سالم و دست نخورده باقی ماند و قوانینش از خطرهایی که هر عقیده و نظام الهی را تهدید می کند، دور نگاه داشته شود؛ و تا این که امامان (علیهم السلام) با توجه به نقش ها و اقدام های خود، در اوضاع و شرایط گوناگون، نمونه هایی عملی و برنامه هایی متناسب با وضعیت امت مسلمان ارائه نمایند.

(۱۴)

شیعه معتقد است که دقیقاً به همین سبب و علت مهم بود که پیامبر خدا، محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله) به فرمان پروردگار، پس از علی (علیه السلام)، یازده پیشوای معصوم دیگر را معین ساخت که با علی (علیه السلام) منظومه نورانی دوازده امام را شکل دهند که در دو کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری، بدون ذکر نام ها و خصوصیات آن دوازده تن، به تعداد و قبیله آنان (قریش) اشاره شده است؛ آن جا که از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت کرده اند که فرمود: «بی شك تا روزی که دوازده امام و خلیفه که همه از قریش - یا بنی هاشم، آن گونه که در بعضی از کتاب ها آمده است - هستند، در میان مردم وجود داشته باشد، دین اسلام پیوسته کارگشا، پابرجا، شکست ناپذیر و پرتوان خواهد بود».

نام های ایشان در تألیفات مربوط به فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و کتاب های شعر و ادب آمده است. این روایات اگر چه به صراحت از ائمه دوازده گانه، یعنی علی (علیه السلام) و یازده فرزندش، نام نمی برد، اما جز بر آن چه باور شیعه جعفری است، منطبق نیستند و تفسیر درست آن ها، همان است که ایشان می گویند.^{۱۳}

(۱۵)

شیعه جعفری معتقد است که دوازده امام عبارت اند از: امام علی بن ابی طالب، عموزاده رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، داماد ایشان و همسر زهرا (علیها السلام)، امام حسن و امام حسین، دو فرزند علی و فاطمه و فرزند زادگان رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، امام زین العابدین، علی بن حسین (سجاد)، امام محمد بن علی (باقر)، امام جعفر بن محمد (صادق)، امام موسی بن جعفر (کاظم)، امام علی بن موسی (رضا)، امام محمد بن علی (جواد)، امام علی بن محمد

۱۳. ر.ک خلفاء النبى، حائرى بحرانی.

(هادی)، امام حسن بن علی (عسکری)، امام محمد بن حسن (مهدی موعود منتظر)(علیهم السلام).^{۱۴}

ایشان هم ان اهل بیت اند که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به خاطر عصمت و پاکی ایشان از اشتباه، لغزش و داشتن علم گسترده ای که آن را از جدشان به میراث برده بودند، به فرمان خدا آنان را به رهبری امت اسلامی منصوب کرد و گفت: مردم آنان را دوست بدارند و از آنان پیروی کنند و این زمانی بود که خدای تعالی فرمود:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ^{۱۵} «بگو: من از شما برای پیغمبری مزدی جز

دوستی باخویشاوندان [خود] نمی خواهم».

و فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) «ای کسانی که ایمان آوردید،

از (مخالفت فرمان)^{۱۶} خدا بپرهیزید و با راستگویان باشید».

۱۴. بسیاری از شاعران برجسته غیر شیعه، عرب و غیر عرب قصیده های مفصلی سروده اند که در آن ها نام دوازده امام معصوم به طور کامل آمده است؛ همچنین حصفکی، ابن طولون، فضل بن روز بهان، جامی، عطار نیشابوری و مولوی که بعضی از آن ها شافعی، بعضی حنفی و بعضی جزو دیگر مذاهب اسلامی بوده اند.

برای نمونه، دو قصیده را می آوریم: یکم. قصیده حصفکی حنفی، از علمای قرن ششم هجری، که در آن می گوید:

نخست حیدر است و آنگاه حسن و حسین *** سپس علی و فرزندش محمد
آنگاه جعفر صادق و فرزند جعفر *** موسی، و پس از او علی بزرگوار آید
یعنی رضا، سپس فرزندش محمد *** پس علی و فرزند هدایت یافته اش
همان حسن، و پس از او جانشینش *** محمدفرزند حسن که باورش دارند
ایشان پیشوایان و مولایان من اند *** اگر چه جماعت ناسزایم گویند و عقیده ام نادرست پندارند
پیشوایانی که باید آنان را گران شماری *** نامه هاشان پیوسته است و گسسته نمی شود
ایشان محبت های خدا بر بندگانش اند *** و ایشان به سوی او، راه آشکار و طریق مقصودند
ایشان روز را برای خدا روزه می دارند *** و در تاریکی ها رکوع و سجده به جای می آورند.
دوم: قصیده شمس الدین محمد بن طولون، از علمای قرن دهم هجری، که در آن می گوید:
بر تو باد به دوازده پیشوا که *** از خاندان مصطفی، آن بهترین آفریده اند
ابوتراب و حسن و حسین *** و کینه زین العابدین قبیح است
و محمد باقر که بسیار دانا بود *** و صادق، او را جعفر بگو در میان مردم
موسی، او کاظم است و فرزندش علی *** او را رضا لقب ده، و او والا مرتبه است
محمد تقی که دلش آباد است به یاد خدا *** علی نقی که مروایشش پراکنده است
و حسن عسکری پاک و مطهر *** و محمد مهدی که ظهور خواهد کرد
رَبُّكَ: الإئمة الاثنا عشر، از تاریخ نگار دمشق، شمس الدین محمد بن طولون، در گذشته به سال ۹۵۳ هجری،
تحقیق: دکتور صلاح الدین المنجد، چاپ بیروت.

۱۵. شوری (۴۲)، آیه ۲۳.

۱۶. توبه (۹)، آیه ۱۱۹.

(۱۶)

شیعه جعفری باور دارد که این پیشوایان پاك که تاریخ هیچ گناه و خطایی در گفتار و رفتار از آنان ثبت نکرده است با تمام دانش بسیار خود امت مسلمان را یاری کردند و فرهنگ و تمدن اسلامی را با معارف ژرف و ارائه دیدگاه های درست در زمینه های اعتقادات، احکام، اخلاق، آداب، تفسیر، تاریخ و آینده نگری غنا و عمق بخشیدند؛ همچنان که با شیوه های گوناگون در سخن و عمل، گروهی از مردان و زنان کم نظیر و برجسته و و نیک را پرورش دادند که برتری و دانش و حسن رفتارشان مورد قبول همگان است.

از دیدگاه شیعه، این پیشوایان اگر چه دستشان از رهبری سیاسی امت کوتاه گردید، اما رسالت فکری و اجتماعی خود را به نیکوترین وجه به انجام رسانیدند و بنیان های عقیدتی را پاسداری کردند و اصول شریعت را از خطرهای بسیار مصون داشتند. آری، اگر جامعه اسلامی به ایشان فرصت می داد تا نقش سیاسی خود را - که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به فرمان پروردگار سبحان به آنان واگذار کرده بود - ایفا نمایند بی شك مسلمانان به تمام سعادت و عزت و عظمت لایق خود نائل می شدند و تا همیشه متحد و هماهنگ باقی می ماندند و هیچ کشمکش، جنگ و خون ریزی و کشتاری میانشان پدید نمی آمد و هرگز به حقارت و پستی دچار نمی گشتند.^{۱۷}

(۱۷)

ایشان معتقدند که به همین سبب، و با توجه به دلیل های نقلی و عقلی بسیاری که در کتاب های اعتقادی آمده است پیروی از اهل بیت(علیهم السلام) و گردن نهادن به راه و روش ایشان واجب است؛ زیرا این راه و روش همان راهی است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) برای امت مسلمان ترسیم نمود و در حدیث متواتر «ثقلین» آنان را به پیمودن آن و التزام بدان سفارش فرمود آنجا که گفت:

«انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدًا»

«من دو چیز گرانبها درمیان شما بر جای می نهم. کتاب خدا و عترتم که خاندان من اند. هرگاه به

آن ها تمسك نمایید هرگز گمراه نخواهید شد.»

۱۷. ر.ک به: الامام الصادق(علیه السلام) و المذاهب الاربعه، اسد حیدر.

چنان که مسلم در (صحیح) خود و ده ها محدث و عالم دیگر در طول قرن های اسلامی آن را روایت کرده اند.^{۱۸}

بی تردید انتخاب جانشین و وصی امری ویژه پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نیست و مانند آن در زندگی پیامبران گذشته کاری معمول و جاری بوده است.^{۱۹}

(۱۸)

شیعه جعفری باور دارد که امت مسلمان - که خدایش عزت دهد - باید این مسائل را به دور از هرگونه دشنام و ناسزا و پوشیده گویی و به گمان افکنی و جوسازی و ایجاد ترس به بحث و مناقشه و تحقیق بنشینند و علما و اندیشمندان همه گروه ها و طایفه ها در همایش های علمی گرد آیند و با صفا و خلوص نیت و برادری و واقع نگری آن هم در پرتو کتاب خدا و روایات متواتر و صحیح رسیده از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و با کمک گرفتن از عقل استوار اندیش خود و بررسی های تاریخی و ارزیابی های همه جانبه سیاسی و اجتماعی دوران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و پس از آن آنچه را که شیعه جعفری می گوید و ادله ای را که بر نظرات خود می آورد همه را مورد بررسی و تحقیق و ژرف نگری قرار دهند .

(۱۹)

شیعه جعفری بر این عقیده است که صحابه و مردان و زنان پیرامون رسول خدا (صلی الله علیه وآله) اسلام را یاری و خدمت کردند و در راه گسترش و تثبیت آن از جان و مال گرانبهای خویش گذشتند و بر مسلمانان است که حرمتشان را نگاه دارند و خدماتشان را ارج بنهند و ایشان را پذیرا گردند.

این بدان معنا نیست که همه آن ها به طور مطلق عادل بودند و هیچ کس حق ندارد بعضی از اعمال و موضع گیری های آنان را به محک نقد بسنجد و ارزیابی نماید. صحابه همچون دیگر انسان ها، گاه به خطا می رفتند و گاه راه صواب می پیمودند. این، سخن تاریخ است که بعضی از ایشان حتی در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از راه حق منحرف شده بودند؛ بلکه قرآن کریم در شماری از سوره ها و آیات خود، مانند سوره منافقون، احزاب، حجرات، تحریم، فتح، محمد و توبه، بدین مطلب تصریح کرده است.

۱۸. ر.ک به: رساله «حدیث الثقلین» از قوام و شنوی که دانشگاه الازهر، در حدود سه دهه پیش، آن را تأیید کرد و پذیرفت.

۱۹. ر.ک: اثبات الوصیه، از مسعودی، و کتاب های حدیث و تفسیر و تاریخ از شیعه و اهل سنت.

بنابراین، نقد بدون تعصب و منصفانه اعمال بعضی از صحابه، کفر محسوب نمی شود؛ زیرا ملاک کفر و ایمان و محور آن دو مشخص است و آن اثبات یا نفی توحید و رسالت و یکی از ضروریات و امور بدیهی دین، همچون نماز، روزه، حج، حرام بودن شراب و قمار و مانند آن می باشد. آری، باید زبان را از دشنام، سرزنش و بدگویی و قلم را از ناروا و زشتی حفظ کنیم که این کار سزاوار مسلمان پاک نهادی که از سیره خاتم پیامبران، محمد(صلی الله علیه وآله) پیروی می کند، نیست.

با این همه باید گفت که بیشتر صحابه انسان هایی صالح و مصلح بوده اند و لایق احترام و اکرام اند. علاوه بر این، تن دادن شیعه به اصول جرح و تعدیل، تنها برای دست یافتن به روایات صحیح و مورد اعتماد نبوی است؛ با علم به این حقیقت که دروغ بستن و افترا زدن به رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، پس از آن حضرت رو به فزونی نهاد؛ همچنان که همگان آگاه اند و پیامبر(صلی الله علیه وآله) خود از آن خبر داده بود و این همان چیزی بود که علمای شیعه و اهل سنت، همچون سیوطی و ابن جوزی و مانند ایشان را برانگیخت تا پیرامون روایاتی که به حق از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) صادر شده بود و از روایات جعلی و افتراپی، کتاب هایی تألیف کنند و این دو نوع روایات را از هم جدا سازند.

(۲۰)

شیعیان به وجود مهدی منتظر (عج) باور دارند؛ چون روایات فراوانی از رسول خدا وارد شده است که مهدی از فرزندان فاطمه و نهمین فرزند امام حسین(علیه السلام) است و از آن جا که هشتمین فرزند حسین(علیه السلام) امام حسن عسگری(علیه السلام) بود و در سال ۲۶۰ هجری از دنیا رفت و جز يك فرزند پسر به نام (محمد) از خود باقی نگذاشت، پس آن فرزند همان امام مهدی (عج) است که با کنیه ابوالقاسم^{۲۰} تعدادی از بزرگان مورد اعتماد مسلمانان او را دیده اند و درباره ولادت و ویژگی های فردی و امامت او و سخن صریح پدر بزرگوارش درباره امامت وی سخن ها گفته اند.

ایشان پنج سال پس از تولد از چشم ها پنهان گردید؛ چون دشمنان قصد کشتن و از بین بردن او را داشتند، اما خدای تعالی او را برای برپایی حکومت اسلامی عدالت گستر و فراگیر در آخر الزمان و پاکیزه ساختن زمین از ظلم و ستم پس از پر شدنش از تعدی و تباهی نخبیره فرموده بود.

۲۰. در «صحاح و دیگر تألیفات شیعه و سنی آمده است که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «در آخر زمان مردی از فرزندان من آشکار می شود که همنام من است و کنیه اش کنیه من، زمین را پس از آن که از ظلم و تجاوزها آکنده شده، از عدالت و داد پر می سازد.»

طول عمر امام (عج) چیز بعیدی نیست؛ چنان که جای تعجب و شگفتی نیز ندارد که در قرآن آمده است که عیسی(علیه السلام) حیات دارد و باگذشت ۲۰۰۴ سال از زادنش هنوز به زندگی خود ادامه می دهد. و حضرت نوح ۹۵۰ سال در میان قومش زیست و آنان را به روی کردن به سوی خدا فرا خواند. و خضر(علیه السلام) هماره زنده و موجود است. بنابراین خداوند بر هر کاری تواناست و خواست او عملی شده است و برگرداننده و بازدارنده ای ندارد. مگر هم او درباره حضرت یونس - که بر او و پیامبر ما سلام باد- نمی فرماید:

(فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)^{۲۱} «اگر او از تسبیح گویان

نبود تا روز رستاخیز در شکم ماهی می ماند.»؟

بسیاری از علمای بزرگ و فرهیخته اهل سنت به ولادت امام مهدی (عج) و وجود او اعتراف کرده اند و از پدر و مادرش نام برده اند و اوصافش را ذکر نموده اند؛ همچون:

الف) عبدالؤمن شبلنجی شافعی در کتابش: «نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار».

ب) ابن حجر هیتمی مکی شافعی در کتابش: «الصواعق المحرقة» آن جا که در باره آن حضرت (عج) گوید. ابوالقاسم، محمد حجت، در زمان در گذشت پدرش پنج سال داشت، اما خداوند او را حکمت عطا کرد و او را قائم منتظر می گویند).

ج) قندوزی حنفی بلخی در کتابش: «ینابیع المودة»، چاپ شده در آستانه ترکیه در زمان خلافت عثمانی ها .

د) سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری در کتابش: «الاذاعة كما كان و ما يكون بين يدي الساعة».

این عده از علمای پیشین بودند، اما از عالمان امروز دکتر مصطفی رافعی را می توان نام برد که در کتابش: «اسلامنا» به تفصیل در باره مسئله تولد آن حضرت داد سخن داده است و همه اشکالات و اعتراضات وارده بر آن را پاسخ گفته است .

(۲۱)

شیعیان نماز می گذارند و روزه می دارند و زکات و خمس اموالشان را می پردازند و حج و عمره را يك بار در همه عمر به عنوان واجب و بیش از آن را به عنوان مستحب انجام می دهند و امر به نیکی ها می کنند و از بدی ها باز می دارند و با دوستان خدا و رسولش دوستی می ورزند و با دشمنان خدا و رسولش دشمنی می کنند و در راه خدا با هر کافر و

مشرکی که اعلان جنگ با اسلام و مسلمانان بکند و با هر که بر ضد امت اسلامی توطئه نماید جهاد می کنند.

ایشان فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی همچون تجارت و اجاره و ازدواج و طلاق و ارث و تربیت و مسئله شیرخوارگی و حجاب و مانند آن را طبق احکام دین اسلام به اجرا در می آورند و این احکام را از طریق اجتهاد که بر عهده فقیهان خداترس و پرهیزگار است از قرآن و روایات صحیح و احادیث استوار و قطعی اهل بیت و عقل و اجماع علما اخذ می نمایند .

(۲۲)

شیعیان معتقدند که هر يك از نمازهای واجب روزانه، صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء، وقتی خاص دارند و در پنج نوبت به جای آورده می شوند و بهتر است هر يك از آن ها در وقت خاص خود گزارده شود؛ با این تفاوت که آنان نماز ظهر و عصر و نیز نماز مغرب و عشاء را با هم به جای می آورند؛ به این دلیل که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بی آن که عذری داشته باشد و بیمار یا در سفر باشد، چنین می کرده است. این مطلب در صحیح مسلم و غیر آن آمده است و به خاطر سبک نمودن کار امت و آسان گیری بر ایشان، این کار، اکنون امری معمول و طبیعی است.

(۲۳)

شیعه مانند دیگر مسلمانان اذان می گوید؛ اما پس از «حی علی الفلاح»، «حی علی خیر العمل» را می آورد؛ زیرا شکل اذان در زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نیز چنین بوده است و بعدها عمر بن خطاب به اجتهاد خود و به این بهانه که اگر مردم بدانند نماز بهترین کار است، به جهاد حاضر نمی شوند، آن را از اذان حذف نمود.

علامه قوشچی اشعری در «شرح تجرید الاعتقاد» بدین مطلب تصریح کرده و در «المصنّف» کندی و «کنز العمال» متقی هندی و مانند آن نیز آمده است که عمر عبارت «الصلاة خیر من النوم» را که پیش تر در زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) گفته نمی شد بر آن افزود.

از آن جا که امور عبادی و مقدمات آن ها در اسلام، بسته به فرمان و اجازه شارع مقدس است، بدین معنا که هر چیزی در اسلام باید مستند به متنی خاص یا عام از قرآن و سنت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) باشد و در غیر این صورت بدعتی است که باید دور افکنده شود و به بدعت گزار باز گردد، از این رو کم و زیاد کردن در عبادات، بلکه در هر عمل دینی، با تمسک به تشخیص فردی، کاری نارواست.

اما آن چه شیعه جعفری پس از «اشهد انّ محمداً عبده و رسوله» بر اذان می افزاید و می گوید: «اشهد انّ علیاً ولی الله»، این برگرفته از روایاتی است که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده و در آن ها آمده است که جمله «محمد رسول الله» بر درب بهشت نوشته نشده است؛ مگر این که پس از آن، جمله «علی ولی الله» آمده است. این سخن می رساند که شیعه، علی (علیه السلام) را پیامبر خدا نمی داند؛ چه رسد به این که خداوند و پروردگار به شمار آورد.

بنابراین، یاد کرد این جمله پس از شهادتین، به امیدی که مورد قبول خدای تعالی قرار گیرد، جایز است و نباید به این عنوان که جزء اذان است یا گفتنش واجب است، تلقی شود. این، رأی قاطع و اکثر فقهای شیعه جعفری است. پس این زیادی که در اذان آورده می شود و قصد جزء بودن در آن نیست - همچنان که گفتیم - در زمره چیزهایی که در شرع پایه و اساس ندارد نمی گنجد و بدعت به شمار نمی آید.

(۲۴)

شیعیان بر خاک، زمین، سنگ ریزه، تخته سنگ و دیگر اجزای زمین و رویدنی های آن مانند حصیر سجده می کنند و نه بر فرش، پارچه، چیزهای خوردنی و زینتی. و این برگرفته از روایات بسیاری است که در کتاب های شیعه و سنی وارد شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بر خاک و زمین سجده می کرد؛ بلکه مسلمانان را بدین کار امر می فرمود. روزی بلال حبشی بر گردی عمامه اش سجده کرد تا داغی زمین آزارش ندهد؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دست خود عمامه بلال را از زیر پیشانی او بیرون کشید و فرمود: «بلال، پیشانی ات را بر خاک گذار» و به صهیب و رباح نیز فرمود: «ای صهیب و رباح، پیشانی تان را بر خاک گذارید».^{۲۲} همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله) بنا بر آن چه در صحیح بخاری و غیر آن آمده است فرمود: «زمین برای من سجده گاه و پاک کننده قرار داده شده است».

دلیل دیگر این که نهادن پیشانی بر زمین و سجده کردن بر خاک، مناسب ترین حالت سجده در برابر خداست، این است که این عمل بیشترین فروتنی و تواضع در پیشگاه معبود را در خود دارد. و این کار، انسان را به یاد ریشه و اصل او، یعنی خاک می اندازد. خدای تعالی می فرماید:

۲۲. ربك به: صحیح البخاری؛ كنز العمال؛ المصنف، عبدالرزاق صنعانی؛ السجود علی الارض، كاشف الغطاء.

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾^{۲۳} «از [خاك] آفریدیمتان و بدان

بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرون می آوریمتان».

دلیل دیگر این که سجده، نهایت خضوع و فروتنی است و این با سجده کردن بر سجاده، فرش، پارچه و زینتی های گران قیمت به دست نمی آید و تنها راه تحققش این است که ارزشمندترین قسمت بدن را که پیشانی است، بر ارزان ترین چیز که خاك است بگذاریم؛^{۲۴} البته خاك باید پاك باشد، و از همین روست که شیعیان تکه ای گل خشك شده را برای اطمینان از پاکی آن با خود برمی دارند و چه بسا که برای تبرك آن را از خاك مبارك كربلا که شهادت گاه امام حسین(علیه السلام) است بر می گیرند؛ همان گونه که بعضی از صحابه، از سنگ ریزه های مکه بر می داشتند تا در سفربر آن ها سجده کنند.^{۲۵}

با این همه، شیعه جعفری بر این کار خود اصرار نمی ورزد و پیوسته بدان مقید نیست؛ بلکه بر هر تخته سنگ پاك و پاکیزه، مانند سنگ فرش مسجد پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و مسجد الحرام، بی هیچ مشکل و تردیدی سجده می کند.

آنان در نماز، دست راست خود را بر دست چپ نمی نهند؛ چون معتقدند که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) چنین نمی کرده است و این عمل با آیه و روایتی روشن و قانع کننده ثابت نشده است. از این رو می بینیم که «مالکیه» نیز چنین کاری نمی کنند.^{۲۶}

(۲۵)

شیعه جعفری وضو می گیرد بدین صورت که دست ها را از آرنج ها تا سر انگشتان می شوید و نه برعکس؛ زیرا ایشان چگونگی وضو را از ائمه اهل بیت(علیهم السلام) فرا گرفته اند و آنان از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و این پیشوایان بهتر از هر کس دیگر می دانند که جدشان چگونه وضو می ساخته است و بی شك رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) این گونه وضو می گرفته است. مفسران قرآن واژه «الی: به» در آیه وضو^{۲۷} را به «مع: با» تفسیر کرده اند چنان که شافعی صغیر نیز در کتابش «نهاية المحتاج» چنین کرده است.

۲۳. طه، آیه ۵۵.

۲۴. رك به: اليواقيت و الجواهر، شعرانی انصاری مصری.

۲۵. رك به: المصنف.

۲۶. رك به: صحيح بخارى؛ صحيح مسلم؛ سنن بيهقي و برای دانستن رأی مالکیه، رك به: بداية المجتهد، ابن رشد.

۲۷. مائده(۵)، آیه ۶.

ایشان همچنین در وضو پاها و سرهای خود را مسح می کنند و نمی شویند؛ به همان علت که ذکر کردیم و به دلیل این گفته ابن عباس که «وضو عبارت است از دو شستن و دو مسح کردن، یا دوشسته شده و دو مسح شده»^{۲۸}

(۲۶)

شیعه جعفری ازدواج موقت را جایز می داند بااستناد به گفته صریح قرآن کریم:

(فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ)^{۲۹} «زنانی را که از آن ها تمتع می گیرید واجب است

که مهرشان را بدهید.»

دلیل دیگر عمل مسلمانان در زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله)و صحابه آن حضرت تانیمه دوران خلافت عمر بن خطاب است که این کار را می کرده اند و آن ازدواجی شرعی است که با ازدواج دائم در موارد زیر مشترک اند.

(الف) زن نباید شوهر دار باشد و صیغه عقد با ایجاب از طرف زن و قبول از سوی مرد شکل می گیرد و به اجرا در می آید.

(ب) باید مالی به عنوان اجرت به زن داده شود که در عقد دائم آن رامهر می گویند و این نص قرآن کریم است؛ هم چنان که گذشت .

(ج) پس از جدا شدن مرد از زن، زن باید عده نگه دارد.

(د) پس از جدایی، عده واجب است و فرزند از آن مرد خواهد بود. زن نمی تواند بیش از يك همسر داشته باشد.

(ه) فرزند و پدر و فرزند و مادر از یکدیگر ارث می برند.

تفاوت ازدواج موقت با دائم این است که در اولی باید مدت را معین کنند و دادن نفقه و قسمت به زن بر مرد واجب نیست و زن و مرد از یکدیگر ارث نمی برند. و در جدا شدن ایشان از هم به طلاق نیاز نیست، بلکه سپری شدن مدت معین یا بخشیدن باقی مانده مدت مشخص شده در عقد کافی است.

حکمت وضع این نوع از ازدواج در اسلام این است که به نیاز جنسی مردان و زنان که قادر به تدارك همه لوازم ازدواج دائم نیستند، یا به خاطر مرگ همسر و مانند آن به محرومیت افتاده اند و با این همه می خواهند با سربلندی و شرافت زندگی کنند پاسخ گفته است. بنابراین ازدواج موقت در مرتبه نخست برای حل يك مشکل بزرگ اجتماعی است تا اینکه جامعه اسلامی درلجنزار تباهی و لابلالی گری سقوط نکند.

۲۸. ر.ک: صحاح و سنن، و تفسیر فخر رازی، در تفسیر آیه وضو.

۲۹. نساء(۴)، آیه ۲۴.

گاه ازدواج موقت برای آشنایی های مشروع پیش از ازدواج دائم استفاده می شود. و این گونه جلو ارتباط نامشروع و زنا و سرکوب جنسی و توسل به راه های حرام دیگری چون استمناء از سوی کسی که نمی تواند تنها يك زن داشته باشد یا کسی که نمی تواند از نظر اقتصادی و معیشتی يك زن یا بیشتر را اداره نماید و در عین حال نمی خواهد به حرام مبتلا گردد گرفته می شود.

به هر حال این ازدواج مستند به قرآن و سنت و عمل صحابه در برهه ای بلند از زمان است و اگر در زمره عمل زنا قرار گیرد معنایش این است که قرآن و پیامبر و صحابه زنا را جایز شمرده اند و کسی که ازدواج موقت کرده مدتی به زنا کردن مشغول بوده است. پناه بر خدا! علاوه بر این، نسخ ازدواج موقت هرگز مستند به قرآن و سنت نبوده و دلیل محکم و صریحی بر آن وجود ندارد. البته اگر چه شیعه امامیه با استناد به قرآن و حدیث این نوع از ازدواج تشریح شده و مشروع را جایز و حلال می شمارد، اما ازدواج دائم و تشکیل خانواده را کاری والاتر و برتر می داند؛ چون خانواده اساس يك جامعه سالم و نیرومند است.

ایشان به ازدواج موقت که در اسلام «متعّه» اش می گویند میل و گرایش ندارند هرچند که طبق دستور دین و سنت (صلی الله علیه وآله) حلال است؛ هم چنان که گفتیم. ذکر این نکته نیز بجاست که شیعه امامیه بر اساس قرآن و حدیث و تعالیم و سفارش های پیشوایان از اهل بیت (علیهم السلام) هر نوع احترامی را در حق زنان لازم می داند و برای او ارزش بسیار قائل است و در گستره مربوط به جایگاه و شئون و حقوق زن به ویژه در سطح برخوردهای اخلاقی با او و نیز در مسائل ملکیت و ازدواج و طلاق و سرپرستی و شیردهی و عبادات و داد و ستدها احکامی عالی و قابل توجه در روایات پیشوایان (علیهم السلام) و در فقه ایشان وجود دارد.

(۲۷)

شیعه جعفری این امور را حرام می داند: زنا، لواط، ربا، کشتن انسان بی گناه، شرابخواری، قمار، پیمان شکنی، فریب و خیانت و نیرنگ، احتکار، کم فروشی، غضب، دزدی، ناراستی، دشمنی، غنا، رقص، نسبت ناروا دادن، تهمت، سخن چینی، لهو و لعب، آزدن مؤمنان، غیبت، دشنام، و ناسزا، دروغ، سخن باطل، و دیگر گناهان بزرگ و کوچک و تا جایی که ممکن باشد همواره سعی در کناره گیری از آن ها دارد و با تمام تلاش می کوشد تا با وسایل و شیوه های گوناگون از همه گیر شدن آن گناهان در سطح جامعه جلوگیری نماید؛ با تألیف و نشر کتاب ها و جزوه های اخلاقی و تربیتی و بر پاکردن نشست ها و سخنرانی ها و خطبه های جمعه و...

(۲۸)

شیعیان فضائل و ارزش های اخلاقی را مهم می شمارند و به موعظه و سخنان پندآموز، عشق می ورزند و به شنیدن آن سخنان مبادرت می کنند و از سر اشتیاق به پند شنیدن، در خانه ها و مساجد و میدان ها و در مناسبت های مختلف مجالس بر پا می نمایند و از همین روست که به خواندن دعاها پر فایده و بلند معنایی که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و پیشوایان پاک روایت شده است روی می آورند؛ دعاهایی چون دعای کمیل، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای سمات، دعای جوشن کبیر، دعای مکارم الاخلاق، و دعای افتتاح که در ماه رمضان خوانده می شود. ایشان این دعاها را که از مضامین والا و برجسته برخوردار هستند با خشوع و شکسته دلی و روحانیت و گریه و تضرع می خوانند که این کار باعث تهذیب نفس و نزدیک شدن ایشان به خدای تعالی می گردد. این دعاها را در دایرة المعارفی که اخیراً با عنوان «موسوعة الادعية الجامعة» چاپ و منتشر شده است می توان یافت، نیز در کتاب های متداول و معروف در میان بزرگان و برگزیدگان.

(۲۹)

شیعیان مزار و مرقد پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت پاک و فرزندان آن ها را مورد توجه و اهمیت قرار می دهند. مرقد امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق(علیهم السلام) در بقیع مدینه، مرقد امام علی(علیه السلام) در نجف اشرف؛ مرقد امام حسین بن علی(علیه السلام) و برادر، فرزندان و فرزندان برادر و اصحابش را که با او در روز عاشورا به شهادت رسیدند، در کربلا، مرقد امام هادی و امام عسکری(علیهم السلام)، در سامرا، مرقد امام جواد و امام کاظم(علیهم السلام) در کاظمین، مرقد امام رضا(علیه السلام) در شهر مشهد (در ایران)، مرقد پسران و دختران ایشان در قم و شیراز، مرقد قهرمان کربلا، بانو زینب، در دمشق و مرقد بانو نفیسه را در قاهره که از کریمه های اهل بیت است، همواره مورد توجه و احترام قرار می دهند و این کار به خاطر احترام گذاشتن به رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) است؛ زیرا حرمت شخص از طریق حرمت نهادن به فرزندان او حفظ می شود و باقی می ماند و بزرگداشت فرزندان يك انسان، بزرگداشت خود او نیز هست. از سوی دیگر این قرآن کریم است که آل عمران، آل یس، آل ابراهیم و آل یعقوب را می ستاید و شأنشان را بزرگ می دارد؛ در حالی که عده ای از آن ها جزو پیامبران و رسولان نبوده اند. قرآن می فرماید:

(ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ)^{۳۰} «فرزندانی که از یکدیگر بودند».

۳۰. آل عمران (۳)، آیه ۳۴.

دلیل دیگر این احترام، اعتراض نکردن قرآن به کسانی است که گفتند:

(لَتَتَّخِذُنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا)^{۳۱} «بر [کنار] شان مسجدی خواهیم ساخت».

یعنی بر مزار اصحاب کهف، عبادتگاهی بر پا می‌کنیم تا خداوند در کنار ایشان پرستیده شود و قرآن کار آن‌ها را شرک نمی‌شمارد؛ زیرا مسلمان مؤمن تنها برای خدا رکوع و سجده می‌کند و تنها او را می‌پرستد و چون مرقد آن اولیای الهی به وجود آن‌ها تقدس یافته است، عبادت خود را کنار ضریح ایشان به جای می‌آورد. همچنان که مقام ابراهیم، تقدس و ارجمندی یافت و خدای تعالی فرمود:

(وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى)^{۳۲} «و گوشه ای از مقام ابراهیم را نمازگاه خود کنید».

این گونه نیست که هر کس پشت مقام ابراهیم نماز به جای آورد، مقام را پرستیده و هر کس با سعی میان صفا و مروه، خدا را عبادت کرد، آن دو کوه را عبادت کرده است. خداوند برای عبادت خود مکان‌های مبارک و مقدسی را که سرانجام به خود آن ذات یگانه منتسب می‌گردند، اختیار فرموده است. بی شک روزها و مکان‌هایی چون روز عرفه و سرزمین منی و عرفات از قداست برخوردارند و سبب آن، انتساب آن‌ها به خدای تعالی است.

(۳۰)

از همین جاست که شیعه جعفری همچون دیگر مسلمانان آگاه و آشنا به شأن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از سر تکریم و احترام به زیارت قبور اهل بیت(علیهم السلام) اهتمام می‌ورزند و با این کار از ایشان پندها می‌گیرند و عهد خویش را با آن‌ها تازه می‌کنند و بر ارزش‌هایی که آن وجودهای پاک به خاطر شان جهاد کردند و در راه حفظ آن‌ها به شهادت رسیدند تأکید می‌نمایند.

زائران این مزارهای شریف، در زیارت‌های خود، فضائل صاحبان قبور، جهاد، نمازگزاری، زکات دادن و تحمل آزار و شکنجه ایشان در این راه را یاد آور می‌شوند و افزون بر این، با این مهرورزی که در حق فرزندان ستم‌دیده پیامبر کریم(صلی الله علیه وآله) می‌کنند، با او در غم و اندوه فرزندانش سهیم می‌گردند؛ مگر او نبود که در شهادت حمزه فرمود: «اما حمزه گریه کننده ندارد»؟ مگر او نبود که در مرگ فرزند دل‌بندش ابراهیم، گریست؟ مگر او نبود که برای زیارت به بقیع می‌رفت و مگر او نبود که می‌فرمود: «به زیارت قبرها بروید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد»؟^{۳۳}

۳۱. کهف (۱۷)، آیه ۲۱.

۳۲. بقره (۲)، آیه ۱۲۵.

۳۳. شفاء السقام، سبکی شافعی ص ۱۰۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۷.

آری، زیارت قبور ائمه اهل بیت(علیهم السلام) و یاد کرد سیره و مواضع جهادی ایشان، در حقیقت آیندگان را به یاد شهادت ها و جانبازی های این بزرگان در راه اعتلای اسلام و مسلمین می اندازد و نیز روح شجاعت، دلاوری، از خود گذشتگی و شهادت در راه خدا را در آنان می پروراند.

زیارت، کاری انسانی، فرهنگی و عقلانی است. امت ها معمولاً بزرگان و بنیان گذاران تمدن خود را بزرگ می شمارند و در مناسبت های ویژه، یاد آنان را به شکل ها و شیوه های گوناگون زنده می دارند. این کار، مایه افتخار و مباهات و احترام به ارزش های برجای مانده از ایشان است و توجه دیگر امت ها را به این امت و ارزش های او سبب می گردد و این همان چیزی است که قرآن کریم هنگام ستایش از جهت گیری های ناب پیامبران، اولیا، نیکان و بیان سرگذشت آن ها مورد توجه قرار داده است.

(۳۱)

شیعه جعفری رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه پاک(علیهم السلام) را شفیع خود قرار می دهند و با توسل به ایشان، خدای تعالی را می خوانند تا گناهانشان را بیامرزد و نیاز هاشان را برآورد و بیماری شان را بهبود بخشد؛ زیرا قرآن چنین کاری را اجازه داده، بلکه بدان فرا خوانده است؛ آن جا که می فرماید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا

رَحِيمًا)^{۳۴} «اگر هنگامی که آنان بر خود ستم کردند، نزد تو آمدند و از خدا آمرزش خواستند و

پیامبر هم برای آنان آمرزش طلبید، خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت».

و می فرماید:

(وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)^{۳۵} «به زودی پروردگارت چیزی به تو عطا می کند که خشنود

شوی».

آن چیز، مقام شفاعت است. چگونه می توان پذیرفت که خداوند مقام شفاعت را به پیامبرش عطا کند و او را وسیله حاجت خواهی نیازمندان قرار دهد، آن گاه مردم را از شفاعت خواستن از آن حضرت منع نماید و یا پیامبر را از استفاده از آن مقام محروم سازد؟

خدای تعالی از فرزندان یعقوب حکایت می کند که وقتی آنان از پدر خود دستگیری خواستند و به او گفتند:

۳۴. نساء(۴)، آیه ۶۴.

۳۵. ضحی(۹۳)، آیه ۵.

(قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)^{۳۶} «ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه؛ چون ما خطاکار بوده ایم».

آن پیامبر کریم و معصوم نه تنها بر آن ها خُرده نگرفت، بلکه فرمود:

(سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي)^{۳۷} «به زودی برایتان آمرزش می طلبم».

هیچ کس نمی تواند که ادعا کند که پیامبر و امامان (علیهم السلام) مردگانی بیش نیستند و درخواست دعا از آنان کاری بیهوده است؛ زیرا تمام پیامبران و به ویژه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنده اند و پروردگار سبحان درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا)^{۳۸} «و

ما این گونه شما را امتی معتدل قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید و رسول بر شما گواه باشد»؛

یعنی بیننده و ناظر و فرمود:

(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)^{۳۹} «هر چه می خواهید بکنید که خدا و

رسولش و مؤمنان به زودی کار شما را می بینند».

این آیه تا قیامت جاری و پیوسته است و همچون جریان خورشید، ماه و استمرار شب و روز، استمرار دارد. همچنین پیامبر و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) شهیدند و به فرموده خدای تعالی در قرآن، شهدا زنده اند و نمرده اند.

(۳۲)

شیعه جعفری در زاد روز پیامبر و ائمه (علیهم السلام)، مراسم جشن و شادی برگزار می کنند و در ایام رحلت و شهادت ایشان، مجالس ماتم و عزا. در این مجالس به یادآوری فضیلت ها و مناقب و مواضع بلند آنان که در روایات صحیح آمده است، می پردازند و این کار را به تبعیت از قرآن انجام می دهند که مایه های ستایش پیامبر و دیگر فرستادگان خدا را بیان می کند و آنان را پاس می دارد و نگاه ها را بدیشان متوجه می سازد تا امام و درس آموز و هدایت گر مردم معرفی گردند.

شیعه جعفری در این مراسم و مجالس، از کارهای حرام خودداری می ورزد و از کارهایی همچون آمیختگی مردان و زنان، استفاده از خوردنی های حرام،^{۴۰} غلو در مدح و ستایش و

۳۶. یوسف (۱۲)، آیه ۹۷.

۳۷. یوسف (۱۲)، آیه ۹۸.

۳۸. بقره (۲)، آیه ۱۴۳.

۳۹. توبه (۹)، آیه ۱۰۵.

دیگر اموری که با روح شریعت اسلام ناسازگار است و تجاوز از حدود مسلم آن به شمار می آید و یا اعمالی که منطبق با آیه، روایت صحیح و قاعده ای صحیح که مستنبط از کتاب و سنت نباشد، خودداری می کند.

(۳۳)

شیعیان از کتاب هایی چون «کافی»، از ثقة الاسلام کلینی و «من لا یحضره الفقیه»، از شیخ صدوق، و «الاستبصار» و «التهدیب»، از شیخ طوسی - که در عرصه حدیث کتاب هایی استوار و ارزشمند و شامل روایات وارده از رسول اکرم و خاندان پاک و مطهرش (علیهم السلام) می باشند استفاده می کنند. این کتاب ها هرچند در بردارنده احادیث صحیح است، اما با این همه، نه مؤلفان این کتب و نه شیعیان از آن ها به عنوان «الصحیح» یاد نمی کنند و فقهای شیعه صحت همه روایات آمده در آن ها را نمی پذیرد و تنها روایاتی را که صحتشان بر ایشان معلوم گردیده اخذ می نمایند و روایات غیر صحیح و غیر حسن و روایاتی را که طبق تعابیر علم درایه و رجال و قواعد علم حدیث نمی توان اخذ نمود، رها می کنند.

۳۴) ایشان همچنین در زمینه های اعتقادی و فقهی و دعایی و اخلاقی از کتاب های دیگری که در آن ها روایات گوناگونی از ائمه پاک وارد شده است بهره می برند؛ همچون «نهج البلاغه» که سید رضی - که رحمت خدا بر او باد - با جمع آوری خطبه ها و نامه ها و سخنان کوتاه امام علی (علیه السلام) تألیف کرده است؛ و «رسالة الحقوق» و «الصحيفة السجادية» از امام زین العابدین، علی بن حسین (علیه السلام) و «الصحيفة العلوية» از امام علی (علیه السلام) و «عیون اخبار الرضا» و «التوحید» و «الخصال» و «علل الشرايع» و «معانی الاخبار» از شیخ صدوق .

(۳۵)

شیعه جعفری چه بسا در موارد گوناگون بدون تعصب و سختگیری نسبت به عقاید خود، به احادیث صحیحی که از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در منابع برادران اهل سنت^{۴۱} و

۴۰. غلو، یعنی بالا بردن انسان تا سطح خدای و پروردگاری یا باور داشتن به این که او می تواند جدا از خواست و اجازه خدای تعالی، هر کاری انجام دهد؛ مانند آن چه مسیحیان و یهودیان درباره پیامبران خود می گویند.

۴۱. به جاست که در این جا با صدای بلند اعلام کنیم که شیعه امامیه نیز اهل سنت اند؛ زیرا هر سخن و عمل و امضایی را که در سنت نبوی آمده است می پذیرند، که از جمله آن ها وصیت های پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حق اهل بیتش می باشد. ایشان به این سفارش التزام عملی دقیق دارند و عقاید و فقه و کتاب های حدیثی آنان نیکوترین گواه بر این مطلب است. اخیراً دائرة المعارف مفصلی منتشر شده به نام «سنن النبی» که روایات وارده از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در مصادر شیعی، یکجا در آن گنجانده شده است.

جماعت آمده است استناد می کند. شاهد این سخن تالیفات گذشته و امروز علمای شیعه است و در آن ها احادیثی از صحابه پیامبر و همسران او و از صحابه مشهور و راویان بزرگی چون ابوهریره و آنس و دیگران نقل شده است، البته با این شرط که روایات صحیح باشند و با قرآن و احادیث صحیح و عقل استوار اندیش و اجماع علما تعارض نداشته باشند.

(۳۶)

شیعه جعفری بر این باور است که تمام ناملازمات و مصیبت هایی که در گذشته و امروز دامنگیر جامعه اسلامی و مسلمانان شده یا می شود، تنها نتیجه دو چیز است: نادیده گرفتن اهل بیت(علیهم السلام) به عنوان شایسته ترین افراد برای رهبری و بی توجهی به هدایت ها و آموزه های ایشان و به ویژه تفسیرهایی که آنان از آیات قرآن کریم به دست داده اند و دو دستگی، اختلاف و کشمکش میان مذاهب و فرقه های اسلامی.

از این رو، شیعه جعفری همواره سعی در متحد ساختن صفوف امت مسلمان دارد و در این راه دست برادری و محبت به سوی همگان دراز می کند و این در حالی است که اجتهادات علمای آن فرقه ها و مذاهب و احکام صادره از سوی آنان را به چشم احترام می نگرد. این گونه است که می بینیم شیوه عالمان شیعه از همان قرن های نخستین اسلام بر آن بوده که آرای فقهای غیر شیعه را در کتاب های فقهی، تفسیری و کلامی خود ذکر می کردند. کتاب «الخلاف» در زمینه فقه، از شیخ طوسی و «مجمع البیان» در تفسیر، از طبرسی که بارزترین علمای الازهر آن را ستوده اند، «تجرید الاعتقاد» از نصیرالدین طوسی در عقاید که علاءالدین قوشچی اشعری آن را شرح کرده است، نمونه ای از این کتاب ها هستند.

(۳۷)

عالمان برجسته شیعه گفت و گوی میان دانشمندان مذاهب گوناگون اسلامی در زمینه های فقه، عقائد، تاریخ و تفاهم ایشان در مسائل روز مربوط به مسلمانان و پرهیز از نثار تهمت های ناروا به یکدیگر و مسموم ساختن فضا با دشنام و بدگویی را يك ضرورت اجتناب ناپذیر می دانند تا زمینه های مناسب برای نزدیکی منطقی میان گروه ها و فرقه های اسلامی ایجاد گردد و راه بر دشمنان اسلام و مسلمین که برای رخنه کردن در صفوف مسلمانان و وارد کردن ضربه نهایی بر ایشان دنبال بهانه می گردند، بسته شود.

از این رو، شیعه جعفری هیچ مسلمانی را - پیرو هر مذهب فقهی و روش اعتقادی که باشد - به کفر متهم نمی کند؛ مگر کسی را که جمیع مسلمانان بر کفر او يك رأی و متفق گردیده اند و با هیچ فرقه ای نرد دشمنی نمی بازد و توطئه چینی علیه آن را اجازه نمی دهد و با تمام

مسلمانان، در هر جا، همچون برادران و خویشان خود مهربان و برادر است؛ اما با مذاهب ساختگی استعماری، همچون بهائیت، بابیت و قادیانه و... سرناسازگاری دارد و پیوسته با آنان در اختلاف و ستیزه است و وابستگی به هر يك از آن ها را حرام می داند.

اگر شیعه جعفری - گاهی و نه همیشه - تقیه را که عبارت از پنهان داشتن مذهب و عقیده است به کار می گیرد، این به تصریح قرآن کریم کاری شرعی است و مذاهب اسلامی در موقعیت های سخت درگیری میان طایفه ها بدان عمل می کرده اند و این، دو علت داشته است؛ حفظ جان ها و خون ها، تا به هدر نروند، و حفظ وحدت اسلامی تا دچار رخنه و شکاف نشود.

(۳۸)

به عقیده شیعه جعفری علت عقب ماندگی امروز مسلمانان عدم پیشرفت ایشان در عرصه های فکری و فرهنگی و علمی و فن آوری است. و چاره آن عبارت است از آگاهی دادن و بیداری بخشیدن به مردان و زنان مسلمان و بالا بردن سطح فکری و فرهنگی و علمی آنان از طریق ایجاد مراکز علمی همچون دانشگاه ها و مدارس و استفاده کردن از داده های علوم جدید برای از پیش پا برداشتن موانع اقتصادی و عمرانی و صنعتی و کاشتن بذر خود باوری و اعتماد به خویش در جان فرزندان امت اسلامی برای سوق دادن ایشان به سوی میدان های کار و عمل و فعالیت، تا امر خود کفایی و استقلال این امت تحقق یابد و وابستگی و تحت سلطه بیگانگان بودن یکسره از میان رخت بر بندد.

بر همین اساس شیعیان به هر جای که پابگذارند و وارد شوند، در آن جا مکان ها و مراکز علمی و آموزشی و مدارس برپا می کنند و برای پروردن متخصصین در علوم مختلف، هم چنان که در هر کشوری که باشند به مدارس و دانشگاه های آن کشور وارد می شوند و از میان ایشان عالمان و هنرمندانی که در سطوح مهم و مختلف فارغ التحصیل می گردند و به مراکز علمی پیشرفته و متکامل تر پای می نهند.

(۳۹)

شیعیان از راهی که در میان ایشان (تقلید در احکام) نام دارد با عالمان و فقیهان خود مرتبط می شوند؛ در مشکلات فقهی خود به آنان مراجعه می کنند و در تمام بخش های زندگی خود طبق فتاوی ایشان عمل می نمایند؛ زیرا فقها در نظر ایشان و کلا و نایبان عام آخرین پیشوای پاك (عج) هستند و چون آنان در زندگی و امورات اقتصادی خود بردولت ها و حکومت ها تکیه ندارند از سوی آحاد این طایفه بزرگ بسیار مورد اعتماد می باشند.

همچنین حوزه های علوم دینی که مراکز پرورش فقها هستند نیازهای اقتصادی خویش را از اموال خمس و زکاتی که مردم با رغبت و اختیار، به فقها می پردازند و آن راهمچون نماز و روزه وظیفه ای شرعی می دانند تأمین می کنند. برای وجوب، دادن خمس از سود مال، نزد

شیعه ادله روشنی وجود دارد که پاره ای از آن ها در کتاب های موسوم به «الصحيح» و «السنن» آمده اند.

(٤٠)

شیعه جعفری بر این باور است که مسلمانان حق دارند از حکومت های اسلامی که طبق قرآن و سنت عمل می کنند برخوردار باشند؛ حکومت هایی که حافظ حقوق مسلمانان باشند و با دولت های دیگر روابط عادلانه و سالم برقرار نمایند و حد و مرزهای آن روابط را پاس بدارند و استقلال فرهنگی و اقتصادی و سیاسی مسلمانان راضمان گردند تا امت مسلمان همواره عزیز و سربلند باشد؛ همچنان که خداوند این عزت را برای آنان خواسته است:

﴿وَاللَّهِ الْعِزَّةُ لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^{٤٢} «عزت تنها برای خدا و رسولش و مومنان است.»

و فرموده است:

(وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)^{٤٣} «سستی نوزید و اندوهگین مباشید که شما

برترین خواهید بود اگر از مؤمنان باشید.»

شیعیان معتقدند که اسلام - به عنوان يك دين كامل و تمام عيار - برای نظام حکومت و کشورداری، روشی دقیق و ژرف نگر ارائه کرده است و این علمای امت بزرگ اسلام هستند که باید بنشینند و درصدد کشف صورت کامل این روش و شیوه حکومتی برآیند، تا امت اسلامی از این حیرت و سرگردانی و مشکلات پی در پی که به آخر نمی رسد خلاصی یابد، که خداوند خود یاری دهنده و پشت و پناه است:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^{٤٤}

«اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند و پایداری خواهد بخشید.»

این برجسته ترین و مهم ترین اصول و کلیات بود در عرصه اعتقادات و آیین شیعه امامیه که او را «شیعه جعفری» نیز می گویند.

این طایفه امروز در همه سرزمین های اسلامی در کنار برادران مسلمان خود زندگی می کند و بر حفاظت از موجودیت و عزت مسلمانان بسیار حریص است و آماده است که جان و هر چیز گرانبهای خود را در این راه فدا کند.

* * *

٤٢ . منافقون(٦٣)، آیه ٨.

٤٣ . آل عمران(٣)، آیه ١٣٩.

٤٤ . محمد(٤٧)، آیه ٧.